



## تلاش علامه جعفری در احیای گذشته پرافتخار جامعه بشری

آیت‌الله جوادی‌آملی با اشاره به مقامات علمی و عملی علامه جعفری بیان کرد:

آیت‌الله جوادی‌آملی با اشاره به مقامات علمی و عملی علامه جعفری بیان کرد: قسمت مهم کتاب‌های ایشان و این کتابی که در شرح نهج البلاغه نوشته این است که ما گذشته پر افتخار را که روزی مهمان خدا بودیم، در مشهد خدا و محضر خدا بودیم و مخاطب و مستمع خدا بودیم و بین ما و خدا سوال و جوابی شد را به یاد بیاوریم.

به گزارش ایکن، مراسم گرامیداشت بیست و سومین سالگرد ارتحال علامه محمدتقی جعفری(ره)، امشب، ۲۴ آبان، به همت انجمن آثار و مفاخر فرهنگی و با سخنرانی جمعی از اندیشمندان برگزار شد.

در ادامه مشروح سخنان آیت‌الله جوادی‌آملی را در این نشست می‌خوانید؛

علامه جعفری در ردیف علمای بزرگی بود که به گذشته، بیش از آینده اعتنا داشت. توضیح مطلب این است که بزرگان ما برای تربیت جامعه، سه قسم هستند؛ برخی‌ها آینده‌نگرند که اگر چنین باشد آینده شما در دنیا بهتر می‌شود، در بزرخ راحت‌ترید و در قیامت بهشت نصیب شما می‌شود و اگر خدای ناکرده کم‌کاری و کوتاهی کردید و به بیراهه رفتید یا راه کسی را بستید آینده شما در دنیا ویران خواهد بود، در بزرخ در زحمت هستید و در قیامت هم دوزخی خواهید بود. بالاخره ما را به وعد و وعید و تلخی و شیرینی آینده می‌پرورانند و آینده‌نگر هستند. برخی‌ها به گذشته فکر می‌کنند که گذشته پر افتخاری داشتیم و اگر گذشته را حفظ کنیم وارث میراث گران قدر هستیم و آینده ما به خوبی تامین می‌شود و جریان عهد میثاقی است که خدای سبحان همه ما را دعوت کرد و همه ما که حاضر شدیم برای ما سخنرانی کرد. در آنجا سخنران خدا، مشهد و محضر برای خدا و شنونده‌ها بنده خدا بودند و میثاق را خدا گرفت و همه ما هم امضا کردیم. فرمود: «وَإِذْ أَخَذَ رَبُّكَ مِنْ بَنِي آدَمَ مِنْ ظُهُورِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَأَشْهَدَهُمْ عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ قَالُوا بَلَىٰ شَهِدْنَا أَنْ تَقُولُوا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّا كُنَّا عَنْ هَذَا غَافِلِينَ». ذات اقدس اله همه ما را حاضر کرد و ما آینه ایم و صاحب آینه اوست. سر همه ما را خم کرد و به درون ما اشراف داد و گفت چه را می‌بینید؟ گفتیم صاحب آینه را می‌بینیم.

این صحنه گذشت و هست و خواهد بود. بنابراین خدا همه را حاضر کرد و سر همه را خم کرد و از همه ما سؤال کرد که چه کسی را می‌بینید؟ ما به خدا گفتیم: تو را. ما اعتراف می‌کنیم که جز خدا را در آن صحنه ندیدیم. حال نشئه عالم مثال بود یا جای دیگری بود را کاری نداریم و مهم این است که واقع شد و فراموش هم نشد؛ چون خدا در قرآن فرمود: «وَإِذْ أَخَذَ رَبُّكَ مِنْ بَنِي آدَمَ مِنْ ظُهُورِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَأَشْهَدَهُمْ عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ قَالُوا بَلَىٰ شَهِدْنَا أَنْ تَقُولُوا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّا كُنَّا عَنْ هَذَا غَافِلِينَ»؛ ابتدای آیه که «اذ» آمده یعنی «اذکر» بدین معنا که به یاد آن صحنه باش. معلوم می‌شود آن صحنه واقع شد و الآن موجود است و قابل یادآوری است. برخی‌ها مانند انبیا و اولیا به یاد دارند و برخی‌ها هم به این تذکره الهی متذکر می‌شوند و برخی هم یادشان رفته است.

برخی از علمای ما بر این فکر هستند که آن صحنه را به یاد ما بیاورند و در مورد آن صحنه سخن می‌گویند. برخی‌ها که جامع بین گذشته و آینده و عهد میثاق و بهشت هستند و یا جامع بین برزخین و قوس صعود و نزول و جامع بین دو طرف هستند، کسانی اند که بین این دو نشئه به جمع سالم، جمع کرده‌اند. برخی‌ها هم جمع کرده‌اند اما جمع مکسر است؛ یعنی یا در نشئه گذشته ضعف دارند یا در نشئه آینده. مرحوم علامه جعفری سعی بلیغش در این بود که گذشته را به یادمان بیاورد. اینکه گذشته را به یاد ما بیاورد آینده را به خوبی تأمین می‌کند. علامه جعفری و بخش مهم کتاب هایش

قسمت مهم کتاب‌های ایشان و این کتابی که در شرح نهج البلاغه نوشته این است که ما گذشته پر افتخار را که روزی مهمان خدا بودیم، در مشهد خدا و محضر خدا بودیم و مخاطب و مستمع خدا بودیم و بین ما و خدا سوال و جوابی شد را به یاد بیاوریم. اگر این صحنه را به یاد بیاوریم ماسوای خدا برای ما بی ارزش است و هیچ کس به عبادت و زهد و علم و درس و بحث خود بسنده نمی‌کند و نمی‌گوید من چندین سال زحمت کشیدم و دود چراغ خوردم و عالم شدم. این حرف‌ها اسلامی سخن گفتن و قارونی فکر کردن است. قارون هم می‌گفت: «قَالَ إِنَّمَا أُوتِيتُهُ عَلَىٰ عِلْمٍ عِنْدِي»؛ یعنی من خودم زحمت کشیدم و علم اقتصاد می‌دانستم. آن دانشمند حوزوی و دانشگاهی که می‌گوید عمری تلاش کردم و عالم شدم هم اسلامی حرف می‌زند اما قارونی عمل می‌کند.

اگر کسی به خدا بگوید من زحمت کشیدم و عالم شدم این همان حرف جناب سنایی را باید به یاد آورد که فرمود به بارگاه الهی اگر بار یافتی، مبادا بگویی من زحمت کشیدم و خدمت کردم. خداوند استاد ما مرحوم فاضل تونی را رحمت کند. این بزرگوار که درس فصوص می داد، بارها این جمله را می گفت که انسان وقتی پیش خدا می رود باید با دست پر برود و بدون هدیه نمی تواند برود و باید چیزی برد که آنجا نباشد. آنجا فقر نیست، آنجا عجز نیست، آنجا ضعف نیست و باید بگوید: خدایا من ضعف و عجز آورده ام. همین.

این حرف را مرحوم فاضل تونی مکرر می گفت، اما ریشه حرف در سخنان بلند حکیم سنایی است. حکیم سنایی می گوید اگر می خواهی به بارگاه الهی نزدیک بشوی، «روی گرد آلود برزی او که بر درگاه او، آبروی خود بری گر آب روی خود بری». اگر بگویی من چندین سال در حوزه و دانشگاه درس خواندمف پاسخش این است که اینها را که من دادم، تو چه داری؟ توجه علامه جعفری به گذشته و آینده

مرحوم علامه جعفری در عین حال که بنان و بیانش نسبت به آینده روشن بود اما سعی بلیغش در این بود که گذشته جامعه بشری را بیش از آنچه دیگران می دانند احیا کند. بخش وسیعی از شرح نهج البلاغه ایشان در مورد این تذکره است که انسان آنچه در درون دارد را به یاد بیاورد و در این صورت است که راحتِ راحت است. وقتی آن صحنه و جلال و شکوه را ببیند آینده را تامین خواهد کرد. اگر اینچنین باشد، معنویت و اخلاق و جلال و شکوه تامین است و نگرانی نیست و این راهی است که رونده ها کمتر رفته اند. قسمت مهم تدریس و بیان و بنان علمای ما در تربیت نسل جوان و غیر جوان به آینده برمی گردد که اگر این کار را کردید دنیاى شما اصلاح می شود، در برزخ به بهشت برزخی می روید و در قیامت هم وارد بهشت می شوید. وقتی انسان سرمایه خود را بداند این سرمایه او را می برد.

با خدا سخن گفتن، کلام خدا را شنیدن، خدا را در آینه هویت خود مشاهده کردن به مقداری که این آینه نشان می دهد، به مقداری که آن چشم می بیند، در این صورت می شود این بیت که «از باده مغز تر کن و آن یار نغز جو، تا سر رود بسر رو و تا پا بپا بپو». آنگاه بخش وسیعی از این ادعیه و مناجات هایی که از اهل بیت(ع) آمدند در مورد همین گذشته است که فرمود: «إلهی مَنْ دَا الْذِي ذَاقَ حَلَاوَةَ مَحَبَّتِكَ»؛ آن وقت دنیا و قیامت و برزخ را برای انسان آسان می کند و انسان در این راه نه بیراهه می رود و نه راه کسی را می بندد.

امیدواریم حشر این بزرگ و بزرگوار با انبیا و اولیای الهی باشد.